

تاریخچه مختصر آموزش زبان فارسی در ازبکستان

رحمن خواجه انعام خواجه‌یف^۱

زبان فارسی تا اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی در ترکستان به مثابه یکی از زبانهای اصلی آموزشی به کار رفته ولی با ارتقای مقام و موقعیت زبان ترکی تدریجاً اهمیت خود را از دست داده است و در آینده به حیث یکی از لسانهای خارجی مورد آموزش و تدریس قرار گرفته است. تاسیس یک سلسله جدید تعلیمی معارف در ترکستان بعد از استقرار حکومت شوروی در این منطقه این جریان را به انتهای منطقی رسانیده است.

بخش اول:

آموزش زبان فارسی قبل از استقرار نظام شوروی در ترکستان

زبان فارسی و تمدن فارسی زبان در سرزمین جمهوری ازبکستان که در زمانهای دور به نام ترکستان یاد می‌شد و امروز در ردیف دول پُر قدرت آسیای مرکزی مورد شناخت و احترام جامعه جهانی قرار می‌گیرد یک تاریخ غنی و باستانی دارد. یکی از دلایل این گفته‌ها آن است که زبان فارسی تقریباً تا قرن ۱۶ میلادی در پهلوی زبان عربی به عنوان زبان اصلی آموزش در این سرزمین شناخته شده و خصوصاً از زمان به قدرت رسیدن خاندان سامانیان (قرون ۹ تا ۱۱ میلادی) زبان فارسی در امور آموزش و پرورش مقام و موقعیت اساسی را احراز نموده است.

۱. دکتر رحمن خواجه انعام خواجه‌یف استاد زبان دری و رئیس دانشکده زبان و ادبیات خاورزمین دانشگاه دولتی خاورشناسی شهر تاشکند ازبکستان است. این نوشته با گویش تاجیکی بوده و به همان شکل مبادرت به چاپ آن گردیده است.

نشو و نمای ادبیات فارسی در سرزمین آسیای مرکزی نیز از براهین قاطع مقام بسزای زبان فارسی در این سرزمین می‌باشد. اساسگذار شعر فارسی ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی زاده ناحیه پنجه کینت تاجیکستان امروز بوده و دوران اوج شهرت او در شهر باستانی بخارا در دربار سامانیان سپری گردیده است. آثار تمدن فارسی زبان در ازبکستان تا امروز بخوبی حفظ گردیده است. از جمله تقریباً صد هزار کتب و رسایل و دواوین و سایر آثار قلمی که در داخل بیشتر از ۱۸ هزار جلد کتب در انستیتو خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان امروز حفظ می‌شود. در حدود چهل درصد آن بزبان فارسی تألیف و تدوین یافته است^۱ که این خود یک دلیل بدون شک و تردید مقام پُرازش زبان فارسی در میهن ماست.

به طوری که قبلاً اشاره شد از دوره حکومت خاندان سامانی زبان فارسی در آسیای مرکزی بتدریج موقعیت اصلی را در امور آموزش و پرورش به خود گرفته است که این امر از طرز فعالیت دبستانها و مدارس نیز بخوبی دیده می‌شود.

سابقاً مؤسسات آموزشی در ترکستان به طور عمده به دو بخش منقسم گردیده بخش اول شامل دبستان و دبیرستانها بوده است و این مؤسسات به صورت عموم به نام مکتب یاد می‌شد. مکاتب معمولاً در مساجد، در خانه‌های مکتب‌داران و محلات شهرها و دهات تأسیس گردیده، بنابه معلومات اواخر قرن ۱۹ میلادی در سراسر سرزمین ترکستان از ۵ تا ۱۰ هزار باب آن مشغول آموزش و پرورش نسل جوان مصروف خدمت بوده است. بخش دوم مؤسسات آموزشی به نام مدرسه یاد گردیده آنها به مثابه مؤسسات تعلیمات عالی در کشور شناخته شده معمولاً در شهرهای بزرگ مانند سمرقند و بخارا و تاشکند، خیوه و خوقند و همچنین در دهات کثیرالنفوس و قصبات بیک‌نشین بنیان‌گذاری می‌گردید. در اواخر قرن ۱۹ میلادی به پیمانہ بیشتر از (۲۰۰) دویست مدرسه در کشور مشغول تعلیم نوجوانان بود.

و حالا ببینیم که موقعیت زبان فارسی در جریان آموزش مکتب چگونه بوده است. شاگردان مکاتب در ترکستان به صورت عموم به دو طبقه طبقه‌بندی گردیده: طبقه اول تخته‌خوان و طبقه دوم کتاب‌خوان نامیده می‌شدند. قسمت تخته‌خوان شاگردان عبارت از سه

۱. د. ولی‌یوا. ایران‌شناسی در ازبکستان. «شرق‌شناسی» مجموعه مقالات، تاشکند، ۱۹۹۲، شماره ۳، ص ۱۲۸ (به زبان ازبکی)



کلاس بوده شاگردان کلاس اول به یاد گرفتن نامهای حروف، کلاس دوم به ساختن هجاها با استفاده از حروف و حرکات و کلاس سوم به ترکیب کلمه‌ها با استفاده از هجاها بوده‌اند. شاگردان کتاب‌خوان قبل از همه به خواندن هفتیک و دوم به خواندن قرآن کریم می‌پرداختند و درجه تحصیل آنان به لغت‌های «هفتیک‌خوان» و «قرآن‌خوان» تعیین می‌گردید. کتاب سوم که در مکاتب ترکستان به عنوان کتاب تدریسی مورد استفاده قرار داشت کتاب معروف و مشهور بنام «چهار کتاب» بوده و آن هم به زبان فارسی ارکان دین اسلام و اصول شریعت اسلامی را تشریح می‌نمود.

باید گفت که «چهار کتاب» تا اواخر قرن ۱۹ و حتی اوایل قرن ۲۰ میلادی نه تنها در مکاتب کهنه اسلوب بلکه در مکاتب اسالیب جدید مورد استفاده قرار داشت. «چهار کتاب» به طوری که از نام آن پیداست مرکب از چهار رساله جداگانه می‌باشد. کتاب اول «چهار کتاب» به عنوان «نام حق» به ابیات زیر آغاز می‌یابد:

ابتدا می‌کنم به نام خدا	که از دو حرف آید عرض و سما
نام حق بر زبان همیرانم	که به جان و دلش همیخوانم
مالک و صانع و قدیم و حکیم	خالق و رازق و رئوف و رحیم
هرچه هست از بلندی و پستی	همه زاو یافت صورت هستی

(الغ)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نویسنده این قسمت «چهار کتاب» شرف‌الدین نام یکی از دانشمندان شهر بخارا بوده در خراسان تحصیل علوم نموده است که در این مورد می‌نویسد:

صدوفتادوبیت و ده باب است	لایق روزگار اصحاب است
مؤجز و دلپذیر افتاده است	لاجرم بی‌نظیر افتاده است
این ترا یادگار از شرف است	نام او در جهان هر طرف است
از بخاراست مولد و نسبش	و از خراسان علوم مکتبش
یا الهی بده تو توفیقم	راه بسنمای سوی تحقیقم

مؤلف در خاتمه کتاب تذکر می‌دهد که تألیف آن در سال ۵۱۳ هجری قمری (یعنی ۱۱۱۸-۱۱۱۹ میلادی) تکمیل یافته است.



نودونه چو رفت ششصد سال
از وفات رسول تا امسال
نیمه‌ای از جمادی‌الاول
بود که این نظم گشت مستکمل
رحمت حق نثار خواننده
بسر نویسنده و رساننده
رساله چهارم «چهار کتاب» به قول مدون «پندنامه» شیخ فریدالدین عطار (سال فوت
۱۲۲۵ میلادی) است که در این باره می‌نویسد:

«له الحمد که این (پندنامه) عطار علیه‌الرحمة من الله‌العزیز الغفار نیز صورت اتمام و
اختتام پذیرفت در روز آدینه بیست و هفتم از ماه شریف متبرکه:

الهی بسیامرز گوینده را
نویسنده، خواننده، بشننده را

تمت تام»

به طوری که معلوم می‌شود در میان زمان تألیف رسایل اول و چهارم «چهار کتاب» تقریباً صدسال سپری گردیده و آنها به قلم دانشمندان گوناگون آفریده شده‌اند. بقیه دو رسایل دیگر نیز یقیناً در زمانهای مختلف تألیف گردیده‌اند. بنابه قول محقق ازبک یولداش عبداللہیف^۱ بخش دوم به عنوان «بدان» به قلم قاضی عزم‌الدین و رساله سوم به نام «مهمات المصحین» به قلم جلال‌الدین کیهی تألیف گردیده تا زمانی به طور جداگانه در مکاتب ترکستان قدیم به عنوان اولین کتاب درسی مکاتب به کار رفته است.

درباره گردآمدن این چهار رساله در یک مجلد یکی از دانشمندان تاجیک عبدالنسی ستارزاده چنین اظهار عقیده نموده است: «گمان یقین است که در یک مجلد گردآمدن چهار رساله زیر عنوان (چهار کتاب) در عصر ۱۷ صورت گرفته است زیرا که تا آن سنه از موجود بودن چنین یک کتاب معلوماتی موجود نیست».^۲

بر اساس این دلایل می‌توان گفت که بخشهای مختلف «چهار کتاب» از قرن ۱۲ میلادی و چهار بخش آن به صورت مکمل از قرن ۱۷ میلادی داخل نصاب تعلیمی مکاتب ترکستان بوده است.

در پهلوی «چهار کتاب» که در مکاتب سرتاسر ترکستان به صورت حتمی تدریس

۱. یولداش عبداللہیف. رساله در شرح اسانلب سوادآموزی در مکاتب ازبکی. شهر تاشکند، ۱۹۶۶ م. ص ۷۱ (به زبان روسی)

۲. «چهار کتاب» یا نامه‌ای در طهارت ظاهر و باطن به قلم عبدالنسی ستارزاده، «چهار کتاب»، دوشنبه، انتشارات «ادیب»، ۱۹۹۰، ص ۸۲.

می شد. یک عده کتب دیگر نیز داخل نصاب تعلیمی بودند که تعداد و عناوین آن نظر به زمان و منطقه تا حدی متغایر بوده اند. به طور مثال شاعر و شخصیت بزرگ دولتی ازبک امیرعلی شیرنویسی (۱۴۴۱-۱۵۰۱م) در کتاب «لسان الطیر» خود درباره ایام مکتبی خویش چنین نوشته است: «به هدف مزید قوه حافظه شاگردان و بهتر ساختن طرز قرائت ایشان استاد آنها را به خواندن اشعار و امیداشت. احياناً آثاری مانند آنچه که در «گلستان» و «بوستان» موجود است خوانده می شد. آن وقت در دل من میل به خواندن «منطق الطیر» بروز می کرد.^۱

علاوه بر این می توان گفت که نه تنها «گلستان» و «بوستان» شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی (۱۱۸۴-۱۲۹۱)، «منطق الطیر» شیخ فریدالدین عطار بلکه آثار سایر شعرای برجسته فارسی مانند شمس الدین محمد خواجه حافظ شیرازی (۱۳۰۰-۱۳۴۸)، ابوالمعانی میرزاعبدالقادر بیدل (۱۶۴۴-۱۷۲۱) در مکاتب ترکستان از جمله کتب تدریسی به شمار می رفت.

زبان فارسی طی قرون وسطی در مدرسه های ترکستان نیز به حیث لسان آموزشی مقام و موقعیت اساسی را اشغال می کرد.

نخستین کتابی که تعلیم مدرسه از آموختن آن آغاز می یافت کتابی به نام «اول علم» بود که آن به زبان فارسی تألیف یافته ارکان و احکام دین اسلام در آن به طرز سؤال و جواب تشریح گردیده بود. بعد از فراغت از این کتاب شاگردان مدرسه به آموختن صرف و نحو عربی که از جمله مضامین اساسی آن بشمار می رفت آمادگی می گرفتند و در این مرحله نیز کتاب آموزشی آنها به زبان فارسی بود و آن هم کتابی در شرح قواعد زبان به عنوان «بدان» بوده است. زبان فارسی در سایر مراحل تعلیمی مدرسه ها موقعیت بزرگی داشت ولی در عین زمان باید گفت که مقام زبان فارسی در امور آموزشی مکاتب و مدارس همه وقت یکسان نبوده است. خصوصاً از قرن شانزده و هفده میلادی به مناسبت افزایش اهمیت زبان ترکی در زندگی اجتماعی و سیاسی ترکستان یک تعداد کتب درسی فارسی بتدریج از استفاده بازمانده در عوض آن کتب ترکی رایج گردیده است. به طور مثال یکی از نویسندگان نامدار قرن ۱۹ قره قلیاق بیردق قرغه بای اوغلی (۱۸۲۷-۱۹۰۰) چنین نوشته بود: «اشعار نوایی، فضولی و حافظ با شوق زیاد از طرف شاگردان مکاتب خوانده می شد. شعر:

۱. امیر علی شیرنویسی. لسان الطیر، ناشکند، ۱۹۹۱م، ص ۲۵۸-۲۶۰.

از چهار کتاب من دوری جستم
ولی از نوایی علم آموختم
از فضولی درها سفتم
در سراغ دلاوران رفتم من^۱
(ترجمه از نویسنده این مقاله)

مشاهده می‌شود که در ردیف کتب فارسی آثار شعرای ترکی زبان بتدریج موقعیت هرچه بیشتر را در امور آموزش و پرورش اشغال نموده‌اند.

باید گفت که با ارتقای هرچه بیشتر مقام زبان ترکی در امور آموزشی اهمیت زبان فارسی تا حدی پایین آمده است و علت اصلی آن چنین بوده است که در بسیاری از مناطق ترکستان اکنون شاگردان مکاتب در فراگرفتن محتویات کتب فارسی زبان به سبب نداشتن لسان به مشکلات مواجه می‌گردیدند. چنانچه شاعر معارفخواه و آموزگار نامدار ازبک عبدالله اولانی در مقدمه کتاب درسی ادبیات ترکی که در سال ۱۹۰۹ میلادی تدوین و به چاپ رسانیده است با ناراحتی زیاد نوشته است که اکثر کتب درسی مکاتب ترکستان به زبان فارسی بوده شاگردان مکتب در فهمیدن و فراگرفتن مضمون و محتویات آنان به مشکلات روبرو گردیده‌اند.

از این سخنان چنین نتیجه‌گیری می‌توان کرد که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی زبان فارسی موقع زبان اساسی تعلیمی را در ترکستان از دست داده مقام یک زبان خارجی را به خود گرفته است و این خود نمایانگر سرآغاز مرحله جدیدی در آموزش زبان فارسی در این سرزمین می‌باشد.

باید گفت که تغییر مقام زبان فارسی در زندگی فرهنگی ترکستان نمی‌توانست لطمه‌ای به پیوندهای تاریخی مردم این سرزمین با تمدن فارسی زبان وارد سازد. این بود که ضرورت مبرمی در مورد آموختن زبان فارسی به‌عنوان یک زبان خارجی در میان طبقه روشنفکر ترکستان به میان آمد و این ضرورت از راه تدوین و تألیف کتب جدید درسی باید تکافومی گردید.

نخستین کتاب درسی زبان فارسی برای مکاتب ترکیزبان به قلم باشنده شهر تاشکند

۱. اولانی عبدالله. عبدالرحیموف عبدالسلام. ادبیات یا اشعار ملی. بخش اول، تاشکند، ۱۹۰۹ (به زبان ازبکی)

دانشیار زبان فارسی محمدرسول رسولی تألیف و سه بار یعنی در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ میلادی در همان شهر به چاپ رسید. چاپ سوم آن که با تجدیدنظر و تکمیلات نوبه طبع رسیده بود حائز اهمیت خاصی می باشد.

عنوان آن کتاب درسی «رهبر فارسی» و حاوی ۵۵ درس بوده برای آموزش زبان فارسی در کلاسهای ۳، ۴، ۵ مکاتب حکومتی روس برای اهالی محلی که به نام مکاتب (روس - توزیم) یاد می شد پیش بینی گردیده بود. سه چاپ پی در پی این کتاب در یک مدت کوتاه بیانگر علاقه مندی زیاد مردم محلی به زبان فارسی می باشد.

در تألیف و تدوین کتاب «رهبر فارسی» روی اصول معمولی این قبیل رسایل رعایت گردیده مواد آن از ساده و آسان به مرکب و سنگین فرا می رود. یکی از برتری های این کتاب در آن است که مسایل گرامر به صورت مقایسه ای با زبان ازبکی بیان گردیده که این امر سهولت زیادی را در مورد فرا گرفتن گرامر زبان فارسی توسط شاگردان فراهم نموده است. مثلاً فعل فارسی در کتاب چنین تشریح می شود:

«فعل کلمه ای را گویند که از سه زمان به یکی دلالت کند مانند خواندم - او قودوم، می خواند - او قورایدی، خوان - او قوا افعال از مصدرها ساخته می شوند، در فارسی آخر مصدرها - دن یا - تن می باشد و در ترکی - مک یا - ماق چون خواندن - او قیمک، نوشتن - یازماق»^۱ (ترجمه به قلم نویسنده این مقاله).

مزیت دیگر این کتاب آن بود که بخشهای سخن در آن به شیوه عنعنوی و کلاسیک به اسم، صفت، ضمیر، ادات و فعل جدا گردیده از اصطلاحات عربی و فارسی استفاده به عمل آمده است که آن سهولت قابل ملاحظه ای برای شاگردان فراهم می نمود. در عین زمان کتاب با استفاده از شیوه های جدید تدریس زبان تألیف گردیده و در ملحقات آن ۷ جدول گرامری و فرهنگ فارسی به ازبکی علاوه گردیده بود.

در سال ۱۹۱۶ میلادی محمدرسول رسولی کتاب قرائت فارسی حاوی ۵۴ درس و عبارت از اشعار و حکایتها برای ادامه آموزش فارسی بعد از ختم «رهبر فارسی» به چاپ رسانید.^۲ باید تذکر داد که این کتب تدریسی از یک سو براساس روشهای عنعنوی در امور آموزش و تدریس تألیف گردیده و از جانب دیگر از شیوه های جدید که در آن زمان جالبترین و

۱. محمد رسول رسولی. رهبر فارسی. تاشکند، ۱۹۱۷، ص ۲۴.

۲. محمد رسول رسولی. قرائت فارسی یا منتخب گلستان تاشکند، ۱۹۱۶.

معروفترین آن «اصول صوتیه» نام داشت برخوردار بود.

بدین ترتیب مرحله اول و تاریخی تدریس و آموزش زبان فارسی و تاریخچه تمدن فارسی زبان در آسیای مرکزی و خصوصاً در ازبکستان به پایان می‌رسد زیرا که با استقرار حکومت شوروی در این سرزمین تغییرات کلی در امور تعلیمی و از جمله در آموزش زبان فارسی به میان آمد.

در مورد آموزش زبان فارسی در این دوره باید گفت که همزمان با تأسیس بنیانهای جدید تعلیم در ترکستان و مخصوصاً به مناسبت مرزبندی بین جمهوری‌های نو احداث آسیای مرکزی زبان فارسی به‌طور کلی از نصاب تعلیمی بیرون ساخته شد. منبعد زبان فارسی با در نظر داشت خصوصیات محلی به شکل زبان تاجیک تنها در مکاتب تاجیکی به عنوان زبان مادری و آموزش و پرورش حفظ گردید و این زبان به مرور زمان و خصوصاً متعاقب عوض شدن الفبای عربی به لاتین و بعداً به کیریل و تأثیر روزافزون زبان روسی بر تاجیکی از زبان فارسی دورتر و دورتر افتاد. بالاخره در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی دانشمندان زبان‌شناس زبان تاجیکی را به حیث یک زبان ادبی مستقل شناخته زبانهای ادبی معاصر ایرانی را به سه قسم یعنی فارسی جدید، تاجیکی و دری افغانستان تفکیک نمودند.

از گفته‌های فوق چنان نتیجه‌گیری می‌توان کرد که زبان فارسی تا اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی در ترکستان به مثابه یکی از زبانهای اصلی آموزشی به کار رفته ولی با ارتقای مقام و موقعیت زبان ترکی تدریجاً اهمیت خود را از دست داده است و در آینده به حیث یکی از لسانهای خارجی مورد آموزش و تدریس قرار گرفته است. تأسیس یک سلسله جدید تعلیمی معارف در ترکستان بعد از استقرار حکومت شوروی در این منطقه این جریان را به انتهای منطقی رسانیده است.